

"از کجا اومدیم" نامه

خیلی دلم میخواد براتون بگم که، سالها قبل، خیلی قبل تر از اونکه ما و پدران ما چشم به جهان بگشوییم(!!!!)، سلسله کارسوقیان به ریاست یه نفر که چون مال خیلی وقت پیشه اسمش رو یادمون نیست تشکیل شد. کارسوقیان برای اولین بار از ریاضی یه قصه ساختن که همون قصه سینه به سینه نقل شد تا رسید به اینجا و حالا ما اومدیم داریم همون قصه رو برای شماها تعریف میکنیم، باشد که پند گیرید. تو رو به امام حسین قسمتون میدم که قطع کننده این زنجیره نباشید ایشالا تا آخر هفته یه خبر خوب بهتون میرسه وگرنه خدا سنگتون میکنه. اما حقیقتش اینه که نوزده سال پیش چهار تا جوون بیکار دبیرستانی دور هم بودن گفتن چیکار کنیم چیکار نکنیم حوصلمون سر رفته، که یکیشون که یه آقای قزوینی نامی بود، گفت آقا بیاین یه ورکشاپ ریاضی برای این بچه مچه های راهنمایی بذاریم.(اون موقع ها قدیم ندیما دوره اول و دوم و این مسخره بازی نبود) برای اینم که فارسی رو پاس داشته باشن و واژه ای به گنجینه واژه های زبان اضافه گردد اومدن ورکشاپو ترجمه کردن به کار+سوق (به معنای بازار) و شد کارسوق ریاضی. از اون به بعد ما هر سال برای گرامی داشتن این سنت دیرینه دور هم جمع شدیم تا!!! رسیدیم به اینجایی که الان هستیم. البته اون داستان زنجیره و خبر خوب و سنگ در مورد این روایت هم صدق میکنه.

الن تورینگ، پدر علوم کامپیوتر!

الن تورینگ یه ریاضیدان، منطقدان، رمز نگار، فیلسوف و عالم کامپیوتر (چه عبارت ناآشنایی) بود.

تورینگ در طی جنگ جهانی دوم برای دولت انگلستان کار میکرد. مدتی هم رهبری "هات ۸" رو برعهده داشت که اطلاعات نیروی دریایی آلمان نازی رمزگشایی میکردن.

اینجا بود تعدادی تکنیک برای سریع کردن پروسه ی شکستن رمزهای آلمان ها اختراع کرد.

اقدامات تورینگ در طی جنگ جهانی به متفقین کمک کرد تا نازی ها رو در خیلی از میادین شکست بدن.

تخمین میزنند که الن تورینگ تونسته با کارهای جنگ جهانی دوم رو دو سال کوتاه کنه و چهارده میلیون نفر رو نجات بدن.

تورینگ علاوه بر همه ی اینا اقدامات اساسی واسه پیشرفت علوم کامپیوتر انجام داد. مثلا ساخت ماشین تورینگ!

الن تورینگ به عنوان پدر علوم کامپیوتر و هوش مصنوعی شناخته میشه.

اگه دلتون خواست راجع به این شخصیت بزرگ بیشتر بدونین تماشای فیلم "imitation game" توصیه میشه!

معنای سقوط تخم مرغ

فرض کنید یه موزه صد طبقه در شهر شما باز شده.

که در هر طبقه ی اون یه تخم مرغ گرون قیمت هست.

ولی هر چه طبقه ی یه تخم مرغ بالاتر باشه، گرون تره!

یه دزد میخواد یکی از این تخم مرغا رو بدزده. طبیعیه که دوست داره اون تخم مرغ مال طبقه ی صدم باشه دیگه؟!

ولی دزد ما تصمیم داره تخم مرغ رو از بالا بندازه توی یه وان و تخم مرغ ممکنه بشکنه!

پس باید بالا ترین طبقه ای رو پیدا کنه سقوط تخم مرغ از اونجا باعث شکستنش نشه.

یه فکر هوشمندانه به ذهنش میرسه و میره از مغازه ی داخل موزه دو تا تخم مرغ

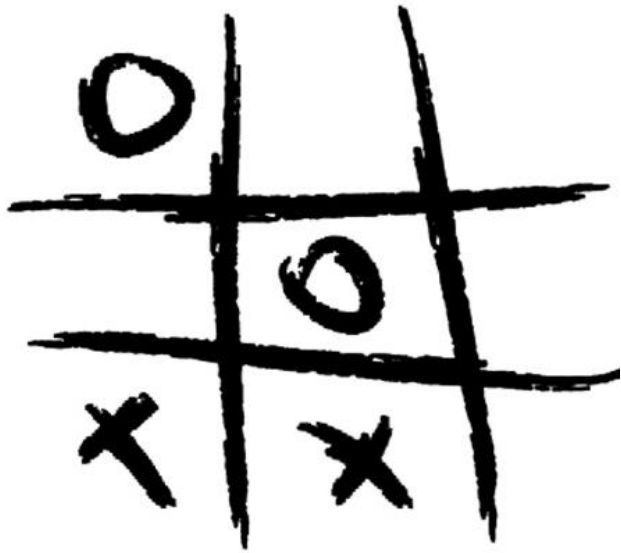
مشابه اصلیا ولی با ارزش ناچیز میگیره که شکستنشون مهم نباشه و بتونه طبقه ها رو باهاشون امتحان کنه

اما خب مشخصا اگه بشکنن دیگه قابل استفاده نیستن!

چون که میخواد خیلی سریع کارش تموم شه باید تا جایی که میتونه تعداد امتحاناش با این

تخم مرغای پیزوری کم تر باشه و زود طبقه مورد نظر رو پیدا کنه

به نظرتون باید چیکار کنه که با کمترین تعداد امتحان به هدفش برسه؟



کارسوق ریاضی مهرگان دوره هجدهم

روز اول نامه

۱۷ مرداد ماه ۱۳۹۷



امروز از صبح کله ی سحر تو ظل گرما پاشدیم اومدیم اینجا، پذیرشتون کردیم، کارتاتونو دادیم (بماند که یه پریسا خانومی یه سه چهار بار بند کارتشو پاره کرد که در امتیاز گروهش قطعاً منظور میشه:))))، پیکسل خوشگل بهتون دادیم، کلاسوراتونو بهتون دادیم با یه عالم کاغذ، و خلاصه کلیی چیز. (برای اینکه یادتون بمونه چقدر ما سخاوتمند بودیم. :)))) (بعد هی غر زدین که بعدش چی، برتون داشتیم بردیمتون براتون افتتاحیه برگزار کردیم، انتخاب واحد کردیم، کلیپ دیدیم، خندوندیمتون، خلاصه یه جور آبنبدی کردیم که یک ساعت پر بشه تا بفرستیمتون سر کلاس. بعدش هی اومدین غر زدین ناهار میخوایم گشمنونه، وقت استراحتمون کمه. واسه همین الان که دارم اینا رو براتون مینویسم هنوز بعضیاتون یه گوشه ای گرفتین خوابیدین، یا سر کلاساتون نشستین و هی چرتتون میگیره (تعارف که نداریم وضع مدرساتونم بهتر از این نیست:))))).

حالا که اولشه تازه امیدوارم حسابی کیف کرده باشین او کلا این روزا بهتون کلی خوش بگذره و دیگه بند کارتاتونو پاره نکنین چرا که بندمون تموم شد دیگه. (با شما ام پریسا خانوم). در آخر هم اینکه در هر لحظه بخندین و اداهای ناجور از خودتون درنیارین چرا که دوربین ما در کمین شماست.